واقعه

گفت‌وگوی صفارزاده با درختان جماران

۲۷ آبان زادروز طاهره صفارزاده است

طاهره صفارزاده از شخصیت‌هایی است که هنرش تحت تاثیر مستقیم انقلاب اسلامی و به خصوص شخص امام خمینی (ره) قرار داشت. حجت‌الاسلام والمسلمین دعایی، سرپرست موسسه اطلاعات خاطرات جالبی از این بانوی سختکوش و هنرمند دارد.

او در خصوص خلقیات صفارزاده، می‌گوید: «یادم هست در سال‌های ابتدایی انقلاب ایشان در منزلی استیجاری حوالی میدان فلسطین زندگی می‌کرد. مجموعه آن منازل ازسوی بنیاد مستضعفان و جانبازان مصادره شده‌بود و از افراد حاضر در آن خواسته شده‌بود اجاره منازل را به بنیاد بدهند. در دیدارم با خانم صفارزاده ایشان گفت من یک اجاره به بنیاد می‌دهم و مبلغی هم به عنوان اجاره برای صاحبخانه که در خارج از کشور هست می‌فرستم؛ چون می‌خواهم در این خانه نماز بخوانم و باید از این نظر خیالم راحت باشد.»

دعایی ضمن بیان این‌که صفارزاده روزی از او خواست که او را به دیدار امام (ره) ببرد، درباره این دیدار چنین می‌گوید: «یادم هست صبح روزی که به دنبال او رفتم از من سوال کردند با چادر بیاید یا بدون چادر، که من به او گفتم حجاب شما حجاب شرعی کامل است و پیش از این هم دیده‌ام کسانی با این حجاب به دیدار امام (ره) رفته‌اند.

وقتی به کوچه‌های جماران رسیدیم یادم هست که ایشان با درخت‌های خیابان هم صحبت می‌کرد و زیر لب می‌گفت خوشا به حال شما که چهره یک فرد فرهیخته را نوازش می‌کنید. وقتی به منزل امام رسیدیم، چادر نمازش را از کیفش درآورد و گفت: دوست دارم با این چادر به دیدار ایشان بیایم تا متبرک شود. در محضر حضرت امام (ره) وقتی که ضمن معرفی او شعری از ایشان برای امام می‌خواندم، شانه‌هایش لرزید و در انتهای خوانش این شعر، صفارزاده هق هق گریه می‌کرد.

پس از آن، من به خاطر سوالی که خانم صفارزاده در مورد حالات روحانی‌اش از امام (ره) داشت، از آن اتاق خارج شدم و منتظر ایشان ماندم.

زمانی که بازگشت به من گفت: دیگر آرام شده‌ام؛ چون حرفم را برای کسی گفتم که اهل فضل است. یادم هست همان روز خانم مریم ریاضی، گوینده باسابقه اخبار تلویزیون به دیدار حضرت امام (ره) رفته بود و وقتی از دیدار بازگشت، گفته بود از امام خواسته‌ام در آن دنیا من را شفاعت کند و ایشان گفته‌اند: «اگر شفاعتی باشد، شما را شفاعت می‌کنم.»

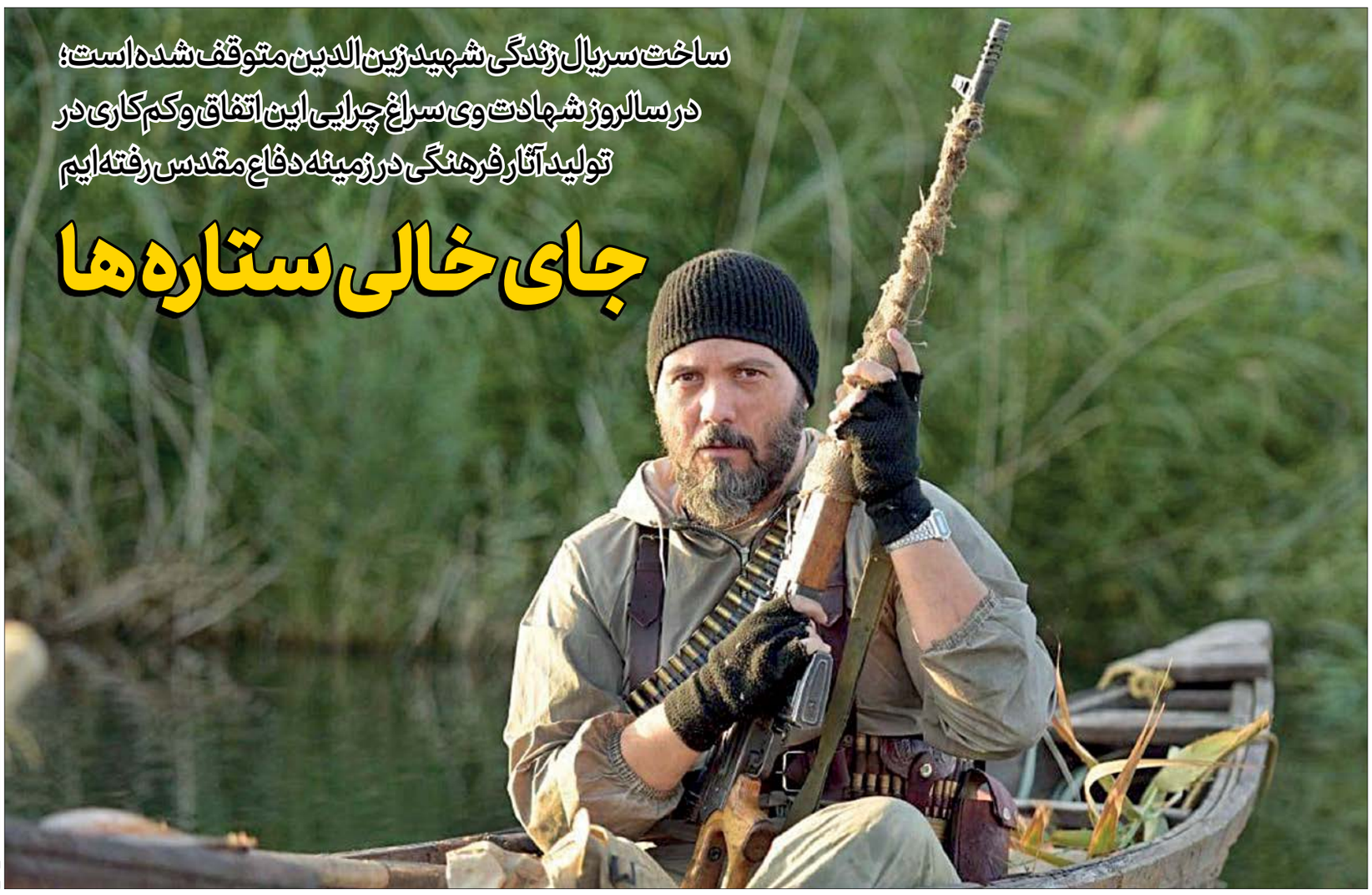

ساخت سریال زندگی شهید زین‌الدین متوقف شده است؛ در سالروز شهادت وی سراغ چرایی این اتفاق و کم‌کاری در تولید آثار فرهنگی در زمینه دفاع مقدس رفته‌ایم

جای خالی ستاره‌ها

کامبیز دیرباز در فیلم تک تیرانداز نقش شهید عبدالرسول زرین را بازی می‌کند / عکس: آرش شاه محمدی

۱۰

گفت‌وگو با زهرا پورحسن، مسؤول کتابخانه‌ای روستایی که در روزهای شیوع کرونا بیکار ننشسته و کتاب‌ها را به در منازل اهالی می‌رساند

خوشا به حالت ای روستایی

در هفته کتاب

صابر محمدی
ادبیات و هنر

تصور اغلب ما از یک کتابخانه عمومی، جایی است ایستا و ساکت که کارایی مشخصی دارد. این‌که کتاب امانت بدهد به مردم یا این‌که پشت کنکوری‌ها را در قرائتخانه‌اش جمع کند تا درس بخوانند و تست بزنند. کتابخانه در ذهن ما، حفره‌ای است خارج و فارغ از زمان و مکان. واردش که بشوی انگار از همه جهان بریده‌ای و پا به جزیره‌ای دورافتاده گذاشته‌ای که در آن خبری از تلاطم بیرون نیست.

کتابخانه برای اهالی روستای پشته اما تعریفی فراتر از این دارد. کتابخانه «فرهیختگان» برای مردمان این روستا و دیگر روستاهای بخش ایسین در شهرستان بندرعباس، فقط یک کتابخانه با تعاریف معمول آن نیست. فرهیختگان، خانه امید اهالی این روستاست. از وقتی زهرا پورحسن به عنوان مسؤول کتابخانه، پا به این مرکز گذاشته، اینجا به مرکزی تبدیل شده فراتر از یک کتابخانه عمومی با کارکردهای مشخص. حالا اهالی پشته و روستاهای اطراف، جایی دارند که برای اغلب امورشان به آن دل بسته‌اند؛ مراسم مختلف در این کتابخانه برپا می‌شود و فعالیت‌های اجتماعی گوناگونی آنجا پا می‌گیرد. آنقدر بچه‌های کتابخانه در برپایی مسابقات و کمپین‌ها خلاقند که اهالی روستا هم طی رابطه‌ای گرم، پای کار همه این برنامه‌ها می‌شوند و مشارکت می‌کنند. کنار اینها تصویر آن کشاورز زحمتکشی را در ذهن ترسیم کنید که عصرها خسته از کار، خودش را به کتابخانه می‌رساند، کتاب آن شبش را تحویل می‌گیرد و با خود به خانه می‌برد تا با همسر و بچه‌هایش بخوانند. البته این روزها که شیوع ویروس کرونا، گسترده‌تر از همیشه در حال تاخت و تاز است، پورحسن و کتابدارهای کتابخانه فرهیختگان، کتاب‌ها را به در منازل می‌رسانند و بعد که کار مطالعه تمام شد، می‌روند و کتاب را پس می‌گیرند. آنها در حالی که کتابخانه تعطیل است و مراجعه‌کننده‌ها نمی‌توانند پا به خانه امیدشان بگذارند، با رعایت پروتکل‌ها در کتابخانه منتظر تماس اهالی روستای پشته و روستاهای اطراف می‌مانند تا کتاب سفارش بگیرند. فعلا دیگر برنامه‌های جانبی کتابخانه‌شان به صورت مجازی برگزار می‌شود اما آنها خواسته‌اند ظرفیت ۱۳ هزارتایی کتابخانه‌شان را با ارسال کتاب به در منازل بیکار نگذارند و اهالی روستایی را که بارها به عنوان روستای دوستدار کتاب مطرح شده، با در بسته کتابخانه ناامید نکنند. با زهرا پورحسن که چندبار کتابدار برگزیده شده و چندبار هم با خلاقیت‌ها و پشتکارش، کتابخانه فرهیختگان را در سطح کتابخانه‌های عمومی استان و کشور مطرح کرده، گفت‌وگو کرده‌ایم.

کتابخانه شما در دل یک روستا واقع شده. روستاهای اطراف هم صاحب کتابخانه هستند؟

روستای پشته که کتابخانه ما در آن واقع شده، یکی از روستاهای بخش مرکزی ایسین است. دیگر روستاهای اینجا کتابخانه ندارند و اهالی‌شان از همین کتابخانه استفاده می‌کنند.

مردم روستاهای اطراف، چه فاصله‌هایی را طی می‌کنند تا به کتابخانه «فرهیختگان» برسند؟

نزدیک‌ترین روستا به پشته، دوکیلومتر با ما فاصله دارد. مردم چهار روستای نسبتا نزدیک دیگر هم عضو کتابخانه ما هستند. آنها در سه تا هفت کیلومتری اینجا هستند.

ارتباطتان با اهالی دیگر روستاها جز امانت دادن کتاب و شرکت در برنامه‌هایی که در خود کتابخانه برگزار می‌شود به چه صورت است؟

با اهالی روستاهای اطراف چند نوع ارتباط داریم. علاوه بر این‌که آنها به پشته می‌آیند و کتاب تحویل می‌گیرند یا در برنامه‌ها شرکت می‌کنند، به طور مثال ما هم یک بار در ماه به مدارس دیگر روستاها می‌رویم. البته پیش از شیوع کرونا می‌رفتیم و نشست‌های کتابخوان مدرسه‌ای را برگزار می‌کنیم. برای بچه‌ها کتاب می‌بردیم آنها می‌خواندند و دفعه بعد می‌رفتیم به کلاسشان و آن دانش‌آموزهایی که داوطلب شده بودند برای مطالعه کتاب‌ها، کتاب‌ها را معرفی می‌کردند به دیگر بچه‌ها.

حالا که با شیوع ویروس کرونا، کتابخانه‌ها بدون حضور اعضا فعالیت می‌کنند، چه می‌کنید؟

ما پیک کتاب راه انداخته‌ایم. اعضا تلفنی تماس می‌گیرند، کتاب مورد نظرشان را می‌خواهند و ما با پیک، کتاب را به آنها می‌رسانیم. این کار را از ابتدای شیوع کرونا و حتی وقتی هنوز حضور اعضا در کتابخانه‌ها ممنوع نشده بود، آغاز کردیم تا مردم کمتر از خانه بیرون بیایند. بالاخره این روزها که مردم خانه‌نشین‌تر شده‌اند، باید بتوانند اوقات فراغت‌شان را پر کنند و چه چیزی بهتر از کتاب.

روستای شما چند نفر جمعیت دارد؟

۳۸۰۰ نفر.

چند عضو دارید؟

البته اعضا فقط از روستای پشته نیستند و همان‌طور که گفتم از چهار پنج روستای اطراف نیز عضو داریم. سالانه بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ نفر عضو کتابخانه ما می‌شوند.

پیش از شیوع کرونا، ماهانه چند عنوان کتاب امانت می‌دادید؟

با این‌که کتابخانه ما یک شیفت فعالیت می‌کند اما ماهانه به‌طور میانگین یک‌هزار عنوان کتاب امانت می‌دادیم.

۱۳ هزار کتابی که در کتابخانه دارید، بیشتر شامل چه موضوعاتی است؟

در اغلب موضوعات کتاب داریم؛ ۷۰۰۰ کتاب برای کودکان و نوجوانان داریم و ۶۰۰۰ عنوان برای بزرگسالان.

روستایی‌ها به خاطر دوری از مشغله و مخاطرات زندگی شهری، شاید برای مطالعه بیشتر فرصت و رغبت داشته باشند. شما در این سال‌ها به چنین تحلیلی رسیده‌اید؟

اگر بگویم روستایی‌ها مشغله بیشتری دارند، دروغ نگفته‌ام. درست است که برخی روستایی‌ها هنوز کشاورزی می‌کنند اما بیشترشان برای کار به شهرها می‌روند، بنابراین همان مشغله‌ها را دارند و بیشتر. بانوان روستایی هم دیگر مثل سابق همگی خانه‌دار نیستند و شاغلند. ازآنجاکه نسبت به شهرنشین‌ها فرزندان بیشتری دارند، بنابراین اوقات فراغت‌شان بیشتر از اهالی شهرها نیست، ازاین‌رو نمی‌توان به‌راحتی با این تحلیل موافقت کرد. زندگی شهری پیچیدگی‌های خودش را دارد که اهالی روستاها شاید کمتر درگیر آن پیچیدگی‌ها باشند، از این لحاظ شاید وضع روستاها در کتابخوانی بهتر باشد. اینجا هم همه مردم به شبکه‌های اجتماعی دسترسی دارند، اما این شبکه‌ها کمتر وقت‌شان را می‌گیرد.

بیشتر اعضایتان چه طیف و گروه سنی هستند؟

اگر کتابدار بتواند با سه گروه ارتباط بگیرد، می‌تواند در ترویج کتابخوانی موفق شود؛ کودکان، نوجوانان و خانم‌های خانه‌دار. ما هم بیشتر بر این سه گروه تمرکز داریم. برنامه‌هایی که اجرا می‌کنیم، حول محور این سه گروه هستند. از طرفی اینجا تنها پایگاه فرهنگی روستاست؛ علاوه بر امانت دادن کتاب، مسؤولیت‌مان این است که اینجا را به پایگاهی فرهنگی تبدیل کنیم به‌ویژه برای همین سه گروه.

جز این سه گروه، از گروه‌هایی که شاید کمتر انتظار برود کتابخوان باشند هم عضو دارید؟

بله، مثلا ما عضوی داشتیم که سواد چندانی نداشت. بازنشسته شده بود، هرروز می‌آمد و به کتاب‌های روان‌شناسی علاقه داشت. به خاطر پیگیری و استمرارش در مطالعه، اطلاعاتش در علم روان‌شناسی در حد یک دکترا بود. هر شخصیتی را که می‌دید، حتی بدون این‌که با او همکلام شود، از زبان بدنش، تیپ شخصیتی‌اش را می‌شناخت.

مرور صفحه اینستاگرام کتابخانه‌تان نشان می‌دهد رابطه شما با اهالی روستا، فراتر از یک کتابدار است، چطور به چنین رابطه گرمی رسیدید؟

سعی می‌کنم برای اهالی و به‌ویژه بچه‌ها وقت بگذارم. کتابخانه ما نزدیک یک مدرسه متوسطه دور اول است. همان دوران راهنمایی سابق. بچه‌ها بعد از امتحان همیشه می‌آمدند کتابخانه. گاهی با آنها صحبت می‌کردم و متوجه می‌شدم خانواده‌ها شرایط نوجوانی اینها را درک نمی‌کنند. این باعث شد با بندرعباس ارتباط برقرار کنم و از مشاوران بهزیستی در کتابخانه استفاده کنیم. ما سالن اجتماعی داریم که چندان مجهز نیست اما در حد یک کتابخانه روستایی عالی است. این سالن پر می‌شد با آمدن مشاورها.

از طرفی می‌دیدم برخی از بچه‌ها طرد و با خانواده‌شان دچار مشکل می‌شدند. می‌آمدند و با من درد و دل می‌کردند. یک‌بار نوجوانی از مدرسه فرار کرده و آمده بود کتابخانه. شر و شور بود و عاصی. مدتی وقت گذاشتم. با او صحبت می‌کردیم. او در کتابخانه به آرامش رسید. بعد از آن مرتب اینجا می‌آید. دوست دارم کاری برایشان انجام دهم.

اگر مردم بخواهند به تجهیز کتابخانه «فرهیختگان» کمک کنند، چه باید بکنند؟

خلأ اصلی کتابخانه ما، تجهیز سالن اجتماعات است. این سالن، تنها سالن بخش مرکزی ایسین است. برای یاری‌گرفتن چند جا رفته‌ام و به نتیجه نرسیده‌ام. می‌توانند به صفحه کتابخانه در اینستاگرام به نشانی fahikhtegannpl.lib پیغام بدهند یا با شماره تلفن ۰۷۶۳۲۵۸۳۹۷۵ تماس بگیرند.

کاغذ اخبار

مدیر مرکز تئاتر کانون اعلام کرد

وضعیت هنرمندان تئاتر کودک و نوجوان نگران‌کننده است

امیر مشهدی‌عباس، مدیر مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان درباره وضعیت فعالیت‌های نمایشی این مرکز با توجه به محدودیت‌های کرونایی تعیین‌شده، گفت: فعالیت‌های فیزیکی مرکز نظیر تمرین و اجرای تئاتر تعطیل است ولی فعالیت‌ها در فضای مجازی ادامه دارد و هر روز هم بیشتر می‌شود. ما برنامه «نمایش‌نما» را داشتیم که طی آن مخاطبان امکان تماشای فیلم تئاترها را داشتند. قصد داریم بخش فیلم‌های سینمایی کانون و همچنین موسیقی کودک و نوجوان را هم اضافه کنیم.

وی با اشاره به معلوم نبودن زمان بازگشایی مجدد سالن‌های تئاتر کانون به دلیل شرایط کرونایی و محدودیت‌های تعیین‌شده، تصریح کرد: بزرگ‌ترین نگرانی ما گروه‌های تئاتر کودک و نوجوان هستند، زیرا اشتغال در این شرایط برایشان بسیار سخت شده است. این گروه‌ها در شرایط مالی بسیار بدی به‌سر می‌برند.

مشهدی‌عباس با بیان این‌که مراکز و نهادهایی که می‌توانند باید برای هنرمندان تئاتر کودک و نوجوان کاری بکنند، یادآور شد: خانه هنرمندان و صندوق اعتباری هنر به فکر این گروه از هنرمندان باشد، زیرا در این شرایط هیچ کاری برایشان وجود ندارد؛ نه می‌توانند نمایش اجرا کنند، نه می‌توانند با مدارس تعامل داشته باشند و نه می‌توانند اجرای آنلاین داشته باشند.

وی ادامه داد: کانون به دلیل این‌که خود درآمدزا بوده و هزینه‌ها را از این طریق تأمین می‌کرده در شرایط فعلی با مشکلات مالی مواجه است اما با این حال در حد کمک‌هزینه از گروه‌های تئاتر کودک و نوجوان حمایت کرده اما این پاسخگو نیست و باید مراکز و سازمان‌های دیگر به کمک و حمایت از هنرمندان تئاتر کودک و نوجوان بپردازند.

مدیر مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون در پایان سخنان خود تأکید کرد: مغازه‌دار، فروشنده و تولیدکننده در نهایت فضایی برای عرضه محصول خود دارند و با وجود پایین‌آمدن درآمدها بالاخره کسب درآمد می‌کنند اما هنرمندان تئاتر کودک و نوجوان هیچ درآمدی ندارند و مجبور به کارهایی هستند که دور از شأن است، البته اگر کاری برای انجام‌دادن پیدا شود. / مهر